



تاریخچه شهر اهواز

اهواز مرکز استان خوزستان است. بانی و تاریخ بنای شهر اهواز بدرستی معلوم نیست، عیلامیان شهری در حدود اهواز بنام «اکسین» بنا کرده بودند. پس از ویرانی آن، شهر اهواز در دوران اشکانیان، تجدید بنا گردید و پس از اشکانیان، اردشیر ساسانی

به بنای مجدد اهواز همت گماشت و در دوران پس از ساسانیان نیز شهر اهواز دستخوش ویرانی شد که باز به عمران آن پرداختند. ابن منشاد می‌نویسد: اهواز شهر بزرگی است، مردمش زرتشتی و مسلمان و انبار کالاها و فرآورده‌های خوزستان شکر، بافته‌های پشمی، جامه‌های دیبا، پارچه‌های کفنی و دیگر محصولات را از همه شهرهای ایران به اهواز می‌آورند و از این شهر و به وسیله کشتی از راه خلیج فارس به هندوستان و چین و از راه بصره و عراق و اصفهان به سایر کشورهای جهان حمل می‌کنند. بازرگانان و سوداگران و بیگانگان در این شهر سود بسیار می‌برند. نام اهواز با کالاهای شکر و پارچه، در همه جهان مشهور و به بزرگی موصوف بود و به همین جهت عرب‌ها این شهر را «سوق‌الاهواز» نامیده‌اند. از قرن ششم هجری قمری به بعد به علت خراب شدن سد شادروان و همچنین جنگل‌ها و اغتشاشات داخلی و بروز بیماری‌های وبا و طاعون، اهواز رو به خرابی رفت تا آن که در سال هزار و سیصد هجری قمری همزمان با حفر کانال سوئز و توجه اروپائیان رونق تازه‌ای گرفت. ناصرالدین شاه قاجار هم از این فرصت برای گسترش کشتیرانی بر روی رود کارون استفاده کرد و توسط والی خوزستان در کنار اهواز قدیم بندرگاهی به نام «بندر ناصری» احداث کرد. در پی احداث این بندر نام اهواز به «ناصریه» تبدیل شد ولی در دوره پهلوی به نام قدیمی «اهواز» خوانده شد.



جاذبه های طبیعی

رودخانه کارون

رود کارون پرآب‌ترین و طولیل‌ترین رودخانه ایران است. این رود از چشمه‌سارهای دامنه کوه‌های ونک و زردکوه بختیاری سرچشمه گرفته و به نام آب کوه‌رنگ از دره غربی زردکوه به سوی جنوب غربی روان می‌شود. پس از ورود به دریاچه سد کوه‌رنگ قسمتی از آب آن توسط تونلی که در شکم کوه کارکنان حفر شده، به سرچشمه زاینده رود می‌ریزد و قسمت دیگر آن از سد عبور کرده و پس از طی مسیر طولانی و پرپیچ و خم با رودخانه خرسان مخلوط شده و به استان خوزستان وارد می‌شود. در خوزستان با آب دره بردنخش و آب سوسن در هم می‌آمیزد و سپس با آب سرحوض و با رودخانه مرغاب مخلوط می‌شود و پس از عبور از دهستان اندیکا به دهستان دشت لالی وارد می‌شود. در دهستان مزبور با رودخانه شور آب کیارس مخلوط شده و پس از عبور از دهستان عقیلی شوشتر به دهستان گتوند داخل می‌شود. در هشت کیلومتری شمال غربی شوشتر با رودخانه شور مخلوط می‌گردد و سپس به رودخانه هورام در بند قیر متصل شده و در همانجا با رودخانه دز که بزرگترین و مهم‌ترین ریزآب کارون به شمار می‌آید، در هم می‌آمیزد. از آنجا به دهستان عناقچه و سپس با پیمودن پیچ و خم‌های فراوان به سوی شهر اهواز و سپس به شهرستان خرمشهر داخل می‌شود. در شرق شهر خرمشهر به دو شاخه تقسیم می‌گردد. شاخه غربی به نام بهم‌نشیر رود به جنوب غربی جریان یافته و از طریق خور موسی به خلیج فارس راه می‌یابد و شاخه شرقی از جنوب خرمشهر می‌گذرد و به رودخانه اروندرود می‌ریزد.

استان خوزستان

موقعیت جغرافیایی استان خوزستان

استان خوزستان با مساحتی حدود ۶۴۲۳۶ کیلومتر مربع، بین چهل و هفت درجه و چهل یک دقیقه تا پنجاه درجه و سی و نه دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ و بیست و نه درجه و پنجاه و هشت دقیقه تا سی و سه درجه و چهار دقیقه عرض شمالی از خط استوا، در جنوب غربی ایران واقع شده است. این استان از شمال غربی با استان ایلام، از شمال با استان لرستان، از شمال شرقی و شرق با استان‌های چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد؛ از جنوب با خلیج فارس و از غرب با کشور عراق هم‌مرز است. بر اساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۵۷، این استان دارای پانزده شهرستان، سی و پنج بخش، سیزده دهستان و

۴۴۹۶ آبادی دارای سکنه می‌باشد. مرکز استان خوزستان شهر اهواز و سایر شهرستانهای آن عبارتند از: آبادان، اندیمشک، اهواز، ایذه، باغ‌ملک، بندرماهشهر، بهبهان، خرمشهر، دزفول، دشت‌آزادگان، رامهرمز، شادگان، شوش، شوشتر و مسجد سلیمان.

شمال و شرق خوزستان را سلسله جبال زاگرس فراگرفته است که ارتفاعات آن در جهت جنوب غربی کاهش می‌یابد، به طوری که در نواحی جنوب‌تر به صورت تپه ماهورهایی نمایان می‌شود. استان خوزستان را از نظر پستی و بلندی می‌توان به دو منطقه کوهستانی و جلگه‌ای تقسیم کرد. منطقه کوهستانی در شمال و شرق استان قرار گرفته و منطقه جلگه‌ای آن از جنوب دزفول، مسجدسلیمان، رامهرمز و بهبهان آغاز شده و تا کرانه‌های خلیج فارس و اروندرود ادامه می‌یابد. استان خوزستان دارای آب و هوای مختلف است: آب و هوایی نیمه‌بیابانی که شهرهای آبادان، خرمشهر، ماهشهر، هندیجان، دشت‌آزادگان و نواحی دزفول، بهبهان، رامهرمز، شوشتر و نواحی شمال اهواز را در بر می‌گیرد. آب و هوای استپ گرم که نواحی شمال دزفول، بهبهان، رامهرمز، شوشتر و شمال اهواز را دربرمی‌گیرد. استان خوزستان تحت تأثیر سه نوع باد قرار دارد: اولین باد، جریان سرد نواحی کوهستانی و دومین باد (شرجی)، جریان گرم و رطوبتی از خلیج فارس است که به سوی جلگه می‌وزد. سومین باد یا باد سوم از عربستان می‌وزد و همیشه مقداری شن و خاک و رطوبت همراه دارد. بر اساس داده‌های ایستگاه‌های سینوپتیک استان خوزستان در سال ۱۳۷۵، حداقل مطلق درجه حرارت منفی دو دهم درجه سانتیگراد و حداکثر مطلق درجه حرارت با چهل پنجاه درجه سانتیگراد در اهواز گزارش شده است.

جغرافیای تاریخی استان

استان خوزستان یکی از کهن‌ترین سرزمین‌های تمدن بشری است. این تمدن در شش هزار سال پیش در شوش پدید آمد، هزار سال بعد دولت مقتدر عیلام در شوش پایه‌گذاری شد و سه هزار سال پیش از میلاد، دولت عیلام توسط آشوریان منقرض گردید. در سال ششصد و چل قبل از میلاد شوش به دست آشوری‌ها تسخیر و به دو بخش تقسیم شد. قسمت شمالی عینی انزان به دست پارس‌ها افتاد و قسمت جنوبی آن به تصرف آشور درآمد. در تابستان سال پانصد و سی و هشت قبل از میلاد کورورش هخامنشی به بابل لشکر کشید و با شکست بابل کلیه خاک عیلام جزء متصرفات هخامنشی گردید و شهر شوش به عنوان یکی از پایتخت‌های هخامنشی برگزیده شد. داریوش هخامنشی در حدود سال پانصد و بیست و یک قبل از میلاد شوش را به مرکز شاهنشاهی خود تبدیل کرد و در آن کاخ باشکوهی از سنگ بنام هدیش احداث کرد. در زمان خشایار شاه پایتخت‌های ایران از جمله شوش به اوج عظمت و رونق رسیدند. با حمله اسکندر دوران اوج و شکوه سلطنت خیره‌کننده هخامنشیان به پایان رسید.

در سال سیصد و سی و سه قبل از میلاد اسکند بر هخامنشیان پیروز شد و شهر بابل و شوش را با ذخایر بسیار ارزشمند طلا و نقره تصرف کرد. پس از فوت اسکندر در بابل جانشیان او در ایران دولت سلوکیان را تشکیل دادند. در سال صد و هشتاد و هفت قبل از میلاد در اثر ضعف دولت سلوکی پارس و خوزستان متحد شدند و از دولت سلوکی جدا شدند. مهرداد اول اشکانی (صد و چهل تا صد و شصت و چهار) نیز «دقزیوس» شاه سلوکی را در جنگی شکست داد و شخصی به نام کامناسیر را که از خاندان اشکانی بود به حکومت خوزستان منصوب کرد. با قدرت گرفتن ساسانیان این ناحیه رو به عمران و آبادی گذاشت. شهر جندی شاهیپور با دانشکده بسیار معروف نیز از شهرهایی است که در این دوران از رونق و شکوفایی چشمگیری برخوردار بوده است. پس از شکست یزدگرد سوم در جنگ معروف نهاوند، ایرانیان به مرور به دین اسلام گرویدند. از سال هفده هجری قمری در عهد خلافت عمر که کشورگشایی مسلمانان به پیروزی تازه‌ای دست یافته بود، بصره به عنوان یکی از حاکم‌نشین‌ها و نایب‌الحکومه انتخاب شد. مهمترین و خونین‌ترین واقعه نخستین قرن اسلام در خوزستان قیام توده‌های بدوی و روستائیان عرب و ایرانی بود که زیر لوای خوارج یا ارزقیان سر به شورش برداشتند. حجاج بن یوسف در سال هفتاد و هشت هجری قمری این قیام را با بی‌رحمی و سنگدلی سرکوب کرد. قیام دیگری نیز در سال‌های دویست و چهل و نه هجری قمری به رهبری صاحب‌الزنج خوزستان را فراگرفت. در اواسط سده سوم هجری قمری دولت عباسیان رو به انحطاط گذاشت و زمینه رشد قیام ایرانیان فراهم شد. یعقوب لیث از سیستان علم استقلال برافراشت و در شوال سال ۲۶۱ هجری قمری فارس را تسخیر و به سرعت حمله به بغداد را (مقر خلافت عباسیان) آغاز کرد، ولی بلافاصله به شوش و شوشتر عقب‌نشینی کرد. در سال ۲۸۸ هجری قمری عمر و لیث جانشین یعقوب در خوزستان به قتل رسید. در سال ۳۲۶ هجری قمری معزالدوله دیلمی، کرمان و خوزستان را تصرف کرد. با روی کار آمدن سلجوقیان ابوالکلیجاده دیلمی به حکومت خوزستان منصوب شد و در سال ۴۳۴ هجری قمری با همین سمت درگذشت. از این سال تا سال ۸۴۵ هجری قمری به ترتیب خوارزمشاهیان، خاندان شلمه افشار، اتابکان فارس، آل مظفری، آل جلاویه، تیموریان بر تمام یا قسمتی از خوزستان حکم راندند. در سال ۸۴۵ جنبش مذهبی دیگری به عنوان مشعشعیان در این نواحی شکل گرفت. رهبر این جنبش سیدمحمد مشعشع ادعای مهدویت داشت و از این زمان خوزستان به دو ناحیه عرب‌نشین و غیرعرب‌نشین تقسیم شد. در سال ۸۷۲ هجری قمری سلسله ایلخانان به دست‌آق‌قویونلوها منقرض شد و سیدمحسن فرزند سیدمحمد مشعشع از اوضاع آشفته ناشی از آن استفاده کرد و بر سراسر خوزستان مسلط شد. پادشاهان صفوی چندین بار برای سرکوب مشعشعیان و افشار به خوزستان لشکر کشیدند هر بار پس از سرکوب آنها مشعشعیان را بر

حکومت نواحی تحت تسلط آنها ابقا کردند. با انقراض صفویان به دست محمود افغان خوزستان همچنان به تهماسب میرزا جانشین پادشاه شکست‌خورده صفوی وابسته باقی ماند و محمود افغان برای دست یافتن به این ناحیه در سال ۱۱۳۶ هجری قمری لشگری به این ناحیه گسیل داشت ولی نتیجه‌ای نگرفت. نادر شاه، افغان‌ها را از اصفهان بیرون راند و در بهار سال هزار و صد و چهل و دو هجری قمری از راه فارس و کهگیلویه روانه خوزستان شد. پس از قتل نادر، خاندان مشعشی بار دیگر به ریاست موسی مطلب هویزه را به تصرف درآوردند. مشعش‌ها پس از استقرار در هویزه به سوی شوشتر، دزفول و شوش روی آوردند و با طایفه آل‌کثیر جنگیدند و نواحی مزبور را تصرف کردند. در همین دوران کریم‌خان زند پس از ده سال کشمکش و جدال قدرت را به دست گرفت. پس از درگذشت کریم‌خان زند بار دیگر خوزستان دچار هرج و مرج شد. در زمان فتحعلی شاه قاجار خوزستان به دوبخش تقسیم شد. بخش شمالی، شامل شوشتر، دزفول، هویزه جزء کرمانشاهان، به محمدعلی میرزای دولت شاه سپرده شد و بخش جنوبی آن شامل رامهرمز، فلاحیه و هنديجان جزء فارس به حسینعلی میرزا پسر دیگر فتحعلی شاه واگذار شد. دولت شاه شاهزاده مقتدر قاجاری دوباره برای سرکوب مخالفین به خوزستان لشکر کشید. در زمان همین شاهزاده بند معروف میزان در شوشتر بازسازی شد و آب به شاخه شطیط و نهرداران جریان یافت. در سال هزار و دویست و شصت و هفت هجری قمری قوای انگلیس از طریق خرمشهر وارد خوزستان شد و تا اهواز پیش آمد و به آتش هر دست یافت. پس از سال هزار و دویست و هفتاد سه هجری قمری که جنگ انگلیس با ایران روی داد تا پایان حکومت ناصرالدین شاه که چهل سال طول کشید در خوزستان جنگی روی نداد. در این زمان عشایر عرب به چند بخش تقسیم شده و هر بخش شیخی جداگانه داشت که حاج جبار خان نام‌آورتر از دیگران بود و پس از جنگ انگلیس فداکاری‌هایی از خود نشان داده بود، توسط ناصرالدین شاه به رتبه سرتیپ اولی ارتقاء یافت. پس از او پسرش شیخ خزعل جانشین پدر شد و با کشتن برادر زمام امور را به دست گرفت. این مرد که با حمایت انگلیس سراسر استان خوزستان را به چنگ آورده بود. انگلیس‌ها عثمانی‌ها را از خوزستان بیرون کردند و رشته اختیار سراسر خوزستان را به دست گرفتند. در خرمشهر، اهواز و شوش سپاه مستقر ساختند و در هر یک از شهرهای شوشتر و دزفول اداره سیاسی یا کنسولگری و عدلیه دایر کردند و در همه جا اداره‌های پست و تلگراف را به دست گرفته و سرپرستی آن‌ها را به مأموران خود واگذار کردند. از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۹ هجری قمری این وضع پایدار بود و شیخ خزعل نیز خود را امیر خوزستان (عربستان) می‌خواند. در دوران رئیس‌الوزرای رضاشاه سپاهی از شیراز به بهبهان، سپاهی از اصفهان و سپاه سومی از بروجرد

عازم سرکوب شیخ خزعل در خوزستان شد. پس از جنگی کوتاه شیخ خزعل شکست خورد و با فرستادن پیامی به رئیس الوزرا امان خواست و بدین وسیله عمر یکی دیگر از حکام محلی به سود قدرت یافتن دولت مرکزی به پایان رسید.

صنایع دستی روستایی :

وفاداری روستاییان به سنت ها از عوامل مهم تولید محصولاتی است که با همت آنان با مواد اولیه موجود تولید می شود این محصولات علاوه بر رفع مایحتاج شخصی تولید کنندگان به بازار عرضه می شود که می تواند ممر در آمدی در کنار کار اصلی آنها محسوب شود.

روستاییان استان خوزستان محصولاتی گوناگون که حاصل دسترنج آنها است تولید می کنند که عمده ترین آنها شامل : حصیر، گلیم، قالی، پارچه عبایی و ... است .

صنایع دستی شهری :

اگر چه صنایع دستی شهری امروزه رونق گذشته را ندارند معهذاً هنوز صنعتگرانی هستند که به امر تولید ابزار و لوازم دست ساز اشتغال دارند. اموری همچون : بافت انواع پارچه، گلیم، قالی، تهیه گیوه، خراطی، میناکاری و ساخت وسایل فلزی و قلمزنی از جمله این صنایع است .

مجموعه صنایع دستی عشایری، روستایی و شهری استان خوزستان بر حسب نوع مواد اولیه که در تولید به کار می رود به چند گروه تقسیم می شود:

- بافته هایی که برای تولید آنها از دار استفاده می شود، شامل قالی و گلیم. این بافته ها که به بافته های داری موسوم هستند در شهر های مسجد سلیمان، هفتگل، دزفول و مناطق روستایی و عشایری تولید می شوند.

- بافندگی شامل: احرامی، عبا، سیاه چادر، چوقا، پستی، خورجین (هورژین) که در مناطق عشایری، روستایی و شهری مانند: شوشتر، دزفول، بهبهان، سوسنگرد، شوش و ... انجام می گیرد.

محصولات پوستی که عشایر و روستائیان مناطق مختلف استان خوزستان تولید کننده آن هستند:

- نمد مالی که در میان روستائیان و به مقداری اندک در میان عشایر تولید می شود. در شهرهای بهبهان و دزفول نیز تولید می شود.

- صنایع دستی حصیری و چوبی شامل: حصیر بافی، سبد بافی و همچنین خراطی در دزفول، آبادان و ...

- فلزکاری و میناسازی شامل: قلمزنی فلزات، قفل سازی و زیور آلات در شهر های اهواز، سوسنگرد و هویزه .
بافته های داری:

همانطور که گفته شد بافته هایی است که از دار برای تولید آنها استفاده می شود که دارها یا عمودی و یا افقی است. بعضی از این بافته ها گره دار هستند مانند قالی و گبه و برخی مانند گلیم و زیلو پود باف بوده و بعضی مانند ورنی و شیرکی پیچ پودپیچ هستند.

در استان خوزستان بافته های داری به شیوه گره زنی یا پود گذاری بافته می شود و شامل قالی، قالیچه و گلیم است و بافندگان اصلی آنها زنان ایلی و روستایی هستند که بر روی دار افقی که بر روی زمین قرار می گیرد کار بافتن را انجام می دهند. نقشه ها اکثراً ذهنی و طرح ها هندسی است و رنگهای قرمز، مشکی، سبز، نارنجی، سفید، سرمه ای در بیشتر بافته ها کاربرد دارد. زنان و دختران عشایر عرب نیز به صورت محدود به کار بافت قالی اشتغال دارند و قالی هایی با نقش هندسی و با استفاده از رنگهای قرمز، نارنجی، صورتی، مشکی، زرد کدر، سرمه ای و سفید می بافند.
گلیم :

در استان خوزستان بافته دیگری که بیشتر به صورت دارهای افقی و بعضاً به صورت عمودی بافته می شود گلیم است. که بافندگان آن عشایر بختیاری (که در مبحث استان چهار محال و بختیاری توضیح داده شد.) و عشایر عرب هستند، گلیم هایی نیز در هفتگل بافته می شود که نقوش آنها شباهت به بافته های عشایر قشقایی فارس دارد. از مناطق اصلی گلیم بافی در خوزستان روستای عرب نشین غزی است که گلیم های آن غالباً دارای تار پنبه ای و پود پشمی است و به رنگهای قرمز، صورتی، سبز، نارنجی، آبی، سرمه ای و سفید است. نقوش گلیم های غزی هندسی و ذهنی است و بافتی ساده دارد.

گلیم پارچه ای :

زنان عشایر بختیاری و روستائیان مناطق بختیاری نشین خوزستان در نواحی هفتگل و مسجد سلیمان با استفاده از لباسهای مندرس خود گلیم های راه راه و محکمی می بافند که برای فرش کردن کف اتاق یا سیاه چادر از آنها استفاده می کنند : ابتدا پیراهن و دامن های پرچین از کار افتاده را بصورت نوارهای رشته رشته و باریک به پهنای یک انگشت پاره می کنند و این رشته ها را بوسیله پره می تابانند. سپس ریسمانهای بوجود آمده را بصورت گلیم می بافند.

محصول بدست آمده در صورت انتخاب رنگهای مناسب در کنا ر یکدیگر زیبا، محکم و مقرون به صرفه است .
پشتی:

از دیگر صنایع دستی استان خوزستان می توان از پشتی هایی نام برد که در بهبهان تولید می شوند و معمولاً دارای تار پنبه ای و پود پشمی رنگین و به ابعاد ۷۰ × ۱۱۰ سانتی متر است.

نقش این پشتی ها مرکب از راه های پهن و باریک افقی به رنگهای : سبز، زرد، قرمز، قهوه ای، سرمه ای، سفید، نارنجی و آبی نفتی است. قسمت ابتدا و انتهای هر پشتی معمولاً سرمه ای رنگ است.

موج:

بافت موج در استان خوزستان و خصوصاً در شهر بهبهان رایج است و برای بافت آن از دستگاه های نساجی سنتی استفاده می کنند. نوعی پارچه دستباف است که اندازه های متفاوت دارد. در واقع موج همان دستبافی است که در سایر نقاط ایران به رختخواب پیچ یا چادر شب نیز معروف است. کردها نیز به آن موج می گویند و لرها آن را ماشته می نامند.
مقنعه :

پارچه ای است ساده بافت و بدون نقش و یک رنگ که مردان بعضی مناطق برای عمامه و شال کمر از آن استفاده می کنند . زنان دو یا سه قطعه آن را بهم دوخته و پارچه عریضی بدست می آورند که برای روسری و مقنعه مورد استفاده قرار می گیرد.
احرامی:

از محصولاتی است که در شوشتر بافته می شود. احرامی پارچه ای است با تار پنبه ای و پود پشمی به رنگهای سرمه ای، زرد، سبز، سفید، نارنجی، قرمز و ...

ابریشم بافی:

بافت این نوع پارچه در دزفول رایج است . در تهیه این محصول از نخ ابریشم مصنوعی (ویسکوز) استفاده می شود. به دلیل ظرافت خاصی که دارد به مصرف شله (روسری عربی) می رسد، طول این پارچه ۲۰ متر و عرض آنها ۴۰ سانتیمتر است . پس از بافت آن را به قطعات ۴ متری در آورده و برای روسری مورد استفاده قرارداداده عده ای نیز قطعه ۴ متری را به دو قسمت تقسیم کرده و از وسط آنها را کنار یکدیگر قرار داده و به صورت تور دوزی بهم می دوزند. شله ای که از این طریق به دست می آید ۲ متر درازا و ۸۰ سانتی متر پهنا دارد.

عبا بافی:

بافت عبا در خوزستان سابقه ای دیرینه دارد به طوری که می گویند پیشینه اش به بیش از پانصد سال می رسد. در گذشته عبا بافی در این استان در شهرهای دزفول، شوش، و سوسنگرد و بهبهان رواج داشته است. هم اکنون تولید آن بیشتر در شهرهای سوسنگرد و بهبهان انجام می شود.

این عباها معمولاً به رنگهای خرمایی، مشکی، خاکستری و شیری است که توسط بافندگان رنگرزی می شود. دو نوع پارچه عبایی در خوزستان بافته می شود:

۱- نوعی که برای بافتن آن از نخ های نازک استفاده می شود که به " هله " شهرت دارد و مناسب هوای گرم تابستان است.

۲- نوعی که تراکم تار و پودش بیشتر است و " چانچه " نامیده می شود و زمستان از آن استفاده می شود.

نمد مالی:

نمد مالی از جمله صنایعی است که در استان خوزستان به دلیل حضور عشایر که مصرف کنندگان اصلی تولیدات نمدی هستند رواج دارد. دو شهر دزفول و بهبهان از مراکز مهم تولید نمد در این منطقه محسوب می شوند. تولیدات نمدی این شهر: زیر انداز، کپنک، و کلاه نمدی است.

کلاه نمدی:

برای تهیه کلاه نمدی به جای پشم از کرک به عنوان ماده اولیه استفاده می شود.

گیوه بافی و گیوه دوزی:

از جمله صنایعی که در استان خوزستان قدمت دیرینه دارد گیوه بافی و گیوه دوزی است که حدود ۲۰۰ سال در این منطقه رواج دارد. از مراکز اصلی این صنعت در خوزستان دو شهر دزفول و بهبهان را می توان نام برد. گیوه انواع مختلف دارد:

۱- گیوه های تخت چرمی که به چتری معروف هستند.

۲- گیوه تخت لته ای که از پارچه های فرسوده و روده گوسفند تهیه می شود.

۳- گیوه تخت لاستیکی

صنایع دستی چوبی:

در خوزستان از چوب و سایر فرآورده های گیاهی برای تولید انواعی از صنایع دستی استفاده می شود که مهمترین آنها به این شرح است .

خراطی :

خراطی چوب از هنرها و صناعی است که بیشتر در دو شهر دزفول و بهبهان رواج دارد.

ابزار کارخراطان بسیار ساده است، شامل اره، انواع مته، شفره، دستگاه یا چرخ خراطی و ... برای تهیه چوب نیز از درختهای توسکا و سپیدار استفاده می شود. در دزفول محصولاتی مانند پایه میز و صندلی و مبل، چوب لباسی، بدنه قلیان، زیر قلیان، میل زورخانه، پایه آباژر، گلدان، نمکدان و... ساخته می شود. در بهبهان نیز کارگاههای خراطی وجود دارد که محصولات آنها گهواره پایه مبل است که از چوب سپیدار تراشیده می شود.

حصیر بافی:

در استان خوزستان در بیشتر مناطق روستایی و عشایری به واسطه وجود درختان خرما حصیربافی وجود دارد. از نی های باتلاقی نیز برای بافتن حصیر استفاده می کنند.

این نوع حصیر در شهر ها برای آویختن در جلوی پنجره مورد استفاده قرار می گیرد. عشایر نیز برای حصار پشت چادرهایشان و همچنین ساختن لانه مرغ و خروس، بره، بزغاله و ... از آن استفاده می کنند.

بوریا (حصیر زیر انداز) :

بوریا یا حصیر زیر انداز از محصولات استان خوزستان با الیاف برگ درختان خرما بافته می شود این حصیر از نی مردابی که در این منطقه به وفور یافت می شود نیز تولید می گردد. این نوع حصیر برای زیر انداز و همچنین پوشش سقف منازل کاربرد دارد. آن را روی تیرهای سقف ساختمان قرار داده و رویش را با مصالح ساختمانی می پوشانند. بوریا بافی کاری است که فقط توسط مردان انجام می شود.

کیوبافی:

کیوبافی که در سالهای اخیر در استان خوزستان رونق فراوان یافته بیشتر در دهستان شهیون دزفول و روستاهای اطراف آن انجام می شود . مواد اولیه مصرفی در بافت کیو برگهای خشک نخل که در اصطلاح محلی " کرتک " نام دارد و ساقه های نازک گندم که " هلفه " گفته می شود تشکیل می دهد.

سبد بافی:

استان خوزستان که از مراکز مهم پرورش نخل در ایران است صنعتگران از برگ درختان خرما سبدهایی درست می کنند که مصارف مختلف دارد و به آن زنبیل می گویند همچنین عشایر بختیاری خوزستان و عده ای از روستاییان اطراف دزفول از شاخه های نازک و ترکه های درختان مختلف سبدهایی می بافند که معروفترین آنها سبدی است که "سله" نامیده می شود و برای آبکش کردن برنج از آن استفاده می شود.

در اندیمشک نیز عده ای از هموطنان ترک نژاد با استفاده از ترکه های درخت بید سبدهایی با اندازه و شکل های متفاوت تولید می کنند که مصارف گوناگون دارد. عشایر و روستاییان استان خوزستان نوعی سبد که "کوروک" نامیده می شود برای جابجایی ماکیان تولید می کنند.

فلزکاری:

در استان خوزستان ساخت وسایل فلزی در شهرهای دزفول، اهواز، مسجد سلیمان، بهبهان، رواج دارد که تولیدات مختلفی از قبیل داس، تیشه، قیچی، قند شکن و ... از محصولات آنان است.

آهنگران خوزستان ابتدا فلز را به اندازه و شکل دلخواه بریده و در کوره قرار می دهند پس از گداخته شدن و انعطاف پذیری با چکش زدن به شکل مورد نظر در می آورند. در آخر با استفاده از سوهان آن را صیقل می دهند.

ورشوسازی:

در خوزستان این صنعت در زمانی نه چندان دور فعالیت چشمگیری داشت. عمده فعالیت های مربوط به ورشوکاری توسط مردان و در شهر دزفول انجام می گرفت. هم اکنون نیز در شهر دزفول تعدادی صنعتگر به این حرفه مشغول هستند که کار عمده آنها تولید قلیان است. قلیان های ورشوی کار دزفول بسیار زیبا و نفیس است.

میناکاری و قلمزنی:

از جمله فعالیت هایی که از گذشته های دور در خوزستان رواج داشته مینا کاری بر روی طلا و نقره و قلمزنی بر روی مس و برنج است که در شهرهای آبادان، خرمشهر و اهواز انجام می شود که در سالهای اخیر بیشتر فعالین این حرفه در اهواز به کار خود ادامه می دهند.

تولیدات مینایی توسط " صبی ها " - که پیروان حضرت یحیی می باشند- برروی طلا و نقره و دیگر فلزات و بیشتر بصورت زینتی و زنا نه عرضه می شود. این تولیدات که نقوش معمول و متداول آنها عبارت از : شتر و ساربان، نخل، پل معلق (پل رودخانه کارون) و گنبد و قایق، برروی گردن بند، دستبند، گوشواره، انگشتر، انگو، و همچنین قندان، سینی، گیره استکان و ... کاربرد دارند.

قلمزنی :

قلمزنی بر روی فلزات نیز توسط صبی ها انجام می شود. روش قلمزنی بر فلزات به این صورت است که ابتدا نقش مورد نظر را بر روی ظرف طراحی نموده و سپس درون ظرف را از محلول قیر مذاب آمیخته با خاکستر یا خاک اره پر کرده و بعد با استفاده از قلم و چکش به نقوش حالتی فرورفته می دهند . سپس قسمت های فرو رفته را با خمیر مینا که از اکسید فلزات مختلف تهیه می شود آرایش داده و ظرف مورد نظر را در کوره گذاشته و ۳۵۰ درجه سانتیگراد حرارت می دهند. به این ترتیب لایه لعابی رنگین و شفاف برروی قسمتهایی از ظرف فلزی قلمزنی شده به وجود می آید.

تولید محصولات پوستی :

استان خوزستان به علت وجود عشایر بختیاری که بخش هایی از این منطقه را قشلاق خود قرار داده اند. و همچنین اسکان بسیاری از آنان در این خطه، از نظر تولید پوست موقعیت خاصی را دارا می باشد. در این استان بدلیل وجود عشایر بختیاری که کار اصلی شان دامداری است، پوست به وفور یافت می شود. با این حال صنایع چرم و پوست چندان رواج نداشته و فقط عده کمی از عشایر آنها برای رفع نیاز خودشان و برای ساختن لوازم مورد استفاده زندگی مانند مشک و همیان از آن استفاده می کنند. گاهی نیز از پوست برای دهل که از سازهای محلی است استفاده می کنند.

آبادان

تاریخچه شهر آبادان

آبادان نام بندر و جزیره دلتا ماندی است که در گذشته «عبادان» نام داشته است. یاقوت حموی جزیره بزرگ را که بین دو رود یعنی اروندرود و کارون واقع شده «میان رود» نام داده است. ناصر خسرو قبادیانی نیز در سال چهارصد و سی و هشت هـ-ق آبادان را دیده و آن را توصیف کرده است. در اواخر قرن سیزدهم هجری قمری آبادان به واسطه وجود صنعت نفت رونق و گسترش یافت. در سال ۱۹۰۹ میلادی شرکت نفت به دنبال عملیات استخراج نفت در خوزستان پالایشگاه و تصفیه خانه های

عظیمی در آبادان ایجاد کرد. پس از ایجاد پالایشگاه اهمیت اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی این جزیره افزایش یافت. در زمان سلطنت رضاشاه پهلوی نام عبادان به آبادان تغییر یافت. شهر آبادان قبل از حمله عراق به ایران در سال هزار و سیصد و پنجاه و نه خورشیدی از شهرهای بسیار باشکوه و آباد ایران بشمار می‌رفت. در حال حاضر کار بازسازی و نوسازی این شهر به اتمام رسیده است.

اندیمشک

تاریخچه شهر اندیمشک

اندیمشک در کنار خرابه‌های شهر قدیم (لور) و (اری‌ترین) احداث گردیده است. لور شهری آباد بود که جغرافی نویسانی چون اصطخری و مقدسی از آن نام برده‌اند. گویا شهر لور تا قرون وسطی از آبادی بهره‌مند بود و پس از آن رو به ویرانی نهاده است. اندیمشک در دوره قاجاریه و در حکومت حاج صالح‌خان مگری با ساختن قلعه‌ای اهمیت پیدا کرد و صالح‌آباد نامیده شد، سپس به اندیمشک تغییر نام یافت. مردم این شهر در گذشته در کپر‌ها، چادرهای ساده و بعدها در خانه‌های گلی زندگی می‌کردند. ولی امروزه رشد و توسعه قابل توجهی یافته است.

مراکز تاریخی

شهر لورساسانی

شهر باستانی لور ساسانی در منطقه ای واقع در محدوده اندیمشک قرار گرفته است و البته تا قرون وسطی آباد بود ولی به مرور پس از آن رو به ویرانی گرایید .

جاذبه های طبیعی

چشمه عین خوش

چشمه عین خوش در فاصله سیزده کیلومتری جاده اندیمشک به اهواز واقع شده است. در فاصله هفتاد کیلومتری از جاده دهکده عین خوش واقع شده که در فاصله کمی از آن چشمه عین خوش از زمین خارج می‌جوشد. آب این چشمه از دسته آبهای سولفات‌ه بیکربناته کلسیک نیم گرم می‌باشد.

چشمه آب معدنی دهلران

در منطقه ای واقع در سیزده کیلومتری جاده اندیمشک به اهواز جاده‌ای منشعب می‌شود که پس از صد و بیست کیلومتر به دهلران می‌رسد. چشمه معدنی دهلران به فاصله پنج کیلومتری شمال آن از زمین خارج می‌شود. در این منطقه، دره وسیعی وجود دارد که بوی سولفور آن از فاصله دور به مشام می‌رسد. آب این چشمه از دسته آبهای کلرور سولفات و بیکربناته کلسیک گرم می‌باشد و خواص درمانی فوق‌العاده‌ای دارد. مردم منطقه به منظور درمان بیماری‌های روماتیسمی، درد مفاصل و استخوان از آب این چشمه استفاده می‌کنند.

منطقه حفاظت‌شده کرخه

کرخه به عنوان یکی از چهار منطقه طبیعی کشور شناخته شده است که از نظر زیست‌محیطی ارزش فراوانی دارد. کرخه از دو عنصر اصلی رودخانه و جنگل‌های اطراف رودخانه تشکیل شده است و از محلی به نام روستای سرخه در جنوب جاده اندیمشک - دهلران - شروع شده و در امتداد رود کرخه تا روستای «خلاف دو» در شمال حمیدیه اهواز ادامه می‌یابد. بیشه‌های انبوه و بکر کرخه زیستگاه طبیعی منحصر به فرد گونه گوزن زرد در ایران و جهان است. منطقه کرخه با سیزده هزار و بیست و هفت هکتار مساحت شامل دو بخش منطقه حفاظت‌شده با ۹۴۲۷ هکتار و پناهگاه حیات وحش با ۳۶۰۰ هکتار به لحاظ برخورداری از آب فراوان و زمین‌های حاصلخیز حاشیه آن و شرایط اقلیمی گرمسیری و سایر استعدادهای طبیعی همواره مورد توجه بوده است و در طول تاریخ تمدن‌های متنوعی را در خود پرورانده است.

دریاچه سد کرخه

سد کرخه در سال هزار و سیصد و سی و چهار هـ. ش بر روی رودخانه کرخه بنا شده است. این سد از نوع سدهای انحرافی است که آب رودخانه کرخه را به داخل دو شهر منحرف می‌کند. طول سد صد و نود و دو متر و ارتفاع آن نه متر است. سد در وسط یک قسمت آبریز دارد که طول آن صد و بیست و سه متر است و ارتفاع آن از بستر رودخانه پنج متر است. دریاچه این سد نیز امکانات فراوانی برای بهره‌برداری‌های جهانگردی فراهم آورده است.

ایذه

تاریخچه شهر ایذه

ایذه یک شهر تاریخی است و آثاری از زمان‌های بسیار قدیم در آن به جا مانده است. این شهر در روزگار عیلامیان اهمیت و عظمت بسیار داشته و مرکز آن آنزان یا آشتیان بوده و در عهد ساسانیان نیز نام و اعتبار داشته است. در کتابهای تاریخی و

جغرافی دوران بعد از اسلام نیز نام این شهر ذکر شده است. مقدسی و ابن خرداد و یاقوت حموی از ایزه نام برده‌اند. آتشکده‌ای هم در آن شهر بود که تا زمان هارون الرشید فروزان بوده است. «استرنج» می‌نویسد: ایزج به پل سنگی بزرگی که در آن شهر روی کارون بسته بودند معروف بود. پل مزبور را یاقوت از عجایب جهان شمرده است. این پل که خرابه‌های آن هنوز دیده می‌شود، بنام مادر اردشیر بابکان (خزهداد) نامیده می‌شود. کلمه ایزه در زمان اتابکان لر کمتر بکار رفت و به جای آن مالمیر (مال امیر) نامیده شد. کلمه ایزه در قرن‌های گذشته به کلی متروک شده بود تا در دوره پهلوی مجدداً مورد استفاده قرار گرفت.

مراکز تاریخی و باستانی

مجسمه سوسن

قطعه سنگ نامنظم خاکستری رنگی است که بر روی آن نقش‌زنی ایستاده حجاری شده است. با وجود خرابی و آسیب‌های وارده به این مجسمه، وضع و حالت و لباس‌های مجسمه ظاهراً دال بر زن بودن این مجسمه زیبا دارد. این مجسمه در مسیر ایزه به طرف مسجد سلیمان پس از پشت سرگذشتن آبادی پیون و تنگ لیموچی در سوسن واقع شده است.

قلعه تل

این قلعه توسط محمدتقی‌خان بختیاری در سرتلی در ناحیه ایزه بنا شده است. این قلعه مرکز خان‌های ایل بختیاری بوده و چندین قلعه در آن وجود داشته است. مردم قلعه تل به هنگام کندن پی خانه‌شان دو سنگ بزرگ که به زمان عیلامیان مربوط می‌شوند، از زمین بیرون آورده‌اند. یکی از سنگ‌ها پایه ستون و دیگری سنگی منقوش است که چهار نقش دارد و دو نفر در مقابل دو نفر ایستاده‌اند.

قلعه دیزه وراز

این قلعه در شمال کوه دلا قرار دارد. پله‌های زیادی از پایین تا قلعه وجود دارد. این قلعه در بلندترین قله کوه دلا ساخته شده است. ساختمان این قلعه به زمان فرامرز اشکانی می‌رسد.

قلعه آرک یا آرک

این قلعه روی کوهی مشرف به شلاه ساخته شده و پایین کوه روبروی آسیاب‌های آبی قلعه دیگری وجود دارد که جوی آبی به صورت دایره درون حیاط آن کشیده شده است. این کاخ - قلعه در بین دو رودخانه قرار دارد که روی یکی از آنها پلی وجود داشته و بر اثر زمان خراب شده و فقط یکی از ستون‌های آن باقی‌مانده است. این کاخ قلعه مقر حکومت قوم عیلام بوده است.

روستای شمی

این روستا در دهستان شمی شهرستان ایذه واقع شده است. در فاصله نه کیلومتری این روستا آثار باستانی بسیار زیبا و مشهوری نظیر مجسمه‌های بزرگ برنزی، سنگ‌های مرمری، گورهای باستانی از دوره پارت‌ها کشف شده است، برخی از این مجسمه‌ها و اشیاء به دست آمده جزء شاهکارهای مسلم ریخته‌گری و فلزگدازی است. گورستان شمی نیز به دوره ساسانیان مربوط است.

نقش خونگ اژدر یا اژدر

در پانزده کیلومتری شمال ایذه در شرق خونگ اژدر قطعه سنگی بسیار عظیم قرار دارد که بر روی آن نقش مهرداد اول یا دوم اشکانی حجاری شده که بر اسبی سوار است و کبوتری حلقه قدرت را همراه نامه‌ای به او تقدیم می‌کند و افرادی (روحی) به حضورش بار یافته‌اند.

بردنبشته ایذه

در راه ایذه به پیون پس از طی یک کیلومتر، در کف دره برد نبشته، قطعه سنگ نامنظمی به وسیله حجاران زبردستی حجاری شده است و نقش‌های بسیار زیبا و زنده و پرتحرکی بر سطوح آنها حک شده است. نقش‌های این سنگ نبشته عبارت از مرد بلند قدی با گیسوان گشاده و انبوه با کلاه‌گرد بی‌کنگره با شمشیری به دست است. در سمت راست این نقش سواری حجاری شده است. در سمت چپ نیز نقش چند انسان حجاری شده به چشم می‌خورد.

نقوش کول فره

کتیبه کول فره در انتهای دشت ایذه قرار دارد. در این اثر نقوش بدیع و حیرت‌انگیزی از صورتهای شاه، فرمانروا، زن، مرد، اسرا و جانورانی چون گاو، گاو میش و گوسفند حجاری شده‌اند. نقوش این کتیبه در حال نیایش و احترام و حمل هدایا و تقدیس رب‌النوع یا امیر دیده می‌شوند. این اثر به دوران حکومت عیلام (قبل از میلاد) مربوط است و از آثار بسیار مهم باستانی استان خوزستان به شمار می‌رود.

نقوش کوباد ایذه

از کوه فره ایذه به طرف جاده دز و در جهت شرق آن گورستانی وجود دارد که در نزدیک آن قطعه سنگی به چشم می‌خورد. روی این صخره یک مربع مستطیل به طول و عرض تقریبی یک و نیم سه متر حجاری شده است. در این لوح از سمت چپ پنج انسان ایستاده با لباس بلند و دو دست روی سینه حجاری شده‌اند. در جلو این پنج نفر نقش مردی یا زنی بر سکو یا تختی

نشسته است که به سوی آن پنج نقش توجه دارد. لباس این نقش هم چون دیگر نقش‌ها دامنی بلند است. مردم ناحیه به این نقش نام مکتب‌خانه یا مدرسه داده‌اند.

کتیبه هانی

در کناره شمال شرقی کوه‌هایی که جلگه مال امیر به آنها محدود می‌شود، (شهرستان ایذه) نقوش برجسته کتیبه‌هایی به خط عیلامی دیده می‌شود که اکثر آنها به نام پادشاهانی به نام «هانی» پسر «تاهی‌هی» موسوم می‌باشد. هانی حاکم محلی ایذه بود که در زمان عیلامیان به نام «آیامپیر» یا «آیاتم» مشهور شده است.

جاذبه های طبیعی

تاراز

کوه نیمه‌جنگلی تاراز در دهستان سوسن و در شصت و هفت کیلومتری شمال غربی ایذه واقع شده و حدود دوهزار هفتصد و چهل و سه متر ارتفاع دارد. آب چلو از این کوهستان سرچشمه می‌گیرد. کوه تاراز از شمال غربی به کوه لمر و از جنوب به کوه تخت سرشط متصل است و دامنه‌های شرقی آن به آب بازیافت منتهی می‌شود.

تلگه

کوه نیمه جنگلی تلگه در دهستان سوسن، در بیست و هشت کیلومتری شمال شرقی ایذه واقع شده و حدود سه هزار و پنجاه متر ارتفاع دارد. این کوه از جنوب به کوه دزسفید، از جنوب شرقی به کوه تاوارا، از شمال به کوه چور و از شمال غربی به کوه گم‌زرد متصل است.

تورک

کوه تورک جزء دهستان سوسن شهرستان ایذه است. این کوه در فاصله نود و یک کیلومتری شمال غربی ایذه با ارتفاع سه هزار و سیصد و نوزده متر واقع شده است. این کوه سرچشمه رودخانه‌های آب بازافت و لب است. تورک از شمال غربی به کوه لم‌لی متصل است و جزء کوهستان زاگرس به‌شمار می‌رود.

دوتو

کوه جنگلی دوتو در دهستان هپرو، در پنجاه و هشت کیلومتری جنوب شرقی ایذه واقع شده است. ارتفاع این کوه حدود سه هزار و صد و هفتاد متر است. این کوه از جنوب به کوه کله متصل است و از شمال به کوه لیراب می‌پیوندد. دامنه‌های شرقی این کوه

به دره رودخانه سیراب و دامنه‌های غربی آن به دره رودخانه صیدون متصل می‌شود. در دامنه غربی این کوه دریاچه کوچی در میان دو کوه کله و دوتو قرار دارد و آب از زمین و اطراف آن می‌جوشد. دامنه‌های این کوه از جنگل پوشیده شده و جزء کوهستان مونگشت از کوهستان بزرگ زاگرس به‌شمار می‌رود.

کله

کوه کله در دهستان هیرو در پنجاه و نه کیلومتری جنوب شرقی ایذه واقع شده است. ارتفاع این کوه حدود سه هزار و ده متر است. این کوه از شمال به کوه دوتو متصل است. رودخانه صیدون از غرب، رودخانه اعلاء از جنوب و رودخانه‌های لیراب و سمه از شرق آن عبور می‌کنند. در دامنه غربی این کوه چشمه‌ای است که آب آن در یک دریاچه کوچک جمع می‌گردد. این دریاچه که «دوتو» نام دارد در ارتفاع حدود هزار و ششصد و هشتاد متری قرار دارد. کوه کله جزء کوهستان مونگشت از کوهستان بزرگ زاگرس به‌شمار می‌رود و دامنه‌های آن از جنگل پوشیده شده است.

مونگشت (منگشت)

کوهستان مونگشت در شهرستان‌های لردگان و ایذه، مرکب از کوه‌های تنوش، ناشلیل، زردحلقه، نشا، سه‌پران، سرچاه، قوچه، بدرنگان، برآفتاب، کله، کلمه و دوزرد قرار دارد. بلندترین قله این کوهستان سه هزار و ششصد و سیزده متر ارتفاع دارد که در ۵۵ کیلومتری جنوب شرقی ایذه و در پنجاه و دو کیلومتری گرمان و در سیزده کیلومتری شمال غربی روستای لیراب واقع شده است. رودخانه‌های هلايجان، آب زردک، صیدون از دامنه‌های غربی، لیراب و سمه از دامنه جنوبی، خرسان و کارون از دامنه‌های شرقی این کوهستان سرچشمه می‌گیرند. بخش عظیمی از این کوهستان را جنگل‌های نسبتاً انبوه پوشانیده و در انتهای آن دریاچه‌ای به نام «بوندان» ایجاد شده است.

اشکفت سلمان

غار سلمان در فاصله سه کیلومتری جنوب غربی شهر ایذه کنونی، در انتهای دره‌ای واقع شده است. اشکفت سلمان محوطه‌ای وسیع است که در درون صخره طبیعی کوه به صورت سرپناهی با آثار آبرفتی و یک چشمه آب شیرین گوارا (که از درون غاری کوچک و باریک بیرون می‌آید) تشکیل می‌شود. روبه‌روی مجموعه اشکفت سلیمان در سمت راست و در منتهی‌الیه کوهی که روبه‌روی آن است، دو نقش نیم‌رخ برجسته که در درون دو چهار گوش مقعر حجاری شده‌اند، وجود دارد. نقش اول مرکب از تصویر سه شخص است که پشت سر هم در یک ردیف ایستاده‌اند. آتشدانی فروزان در جلوی آنهاست که بلندی آن تا زانوان آنها

می‌رسد. در لوحه دوم که با فاصله چند متر از لوحه اول و بر سطح قلعه سنگی دیگر حجاری شده، دو نقش وجود دارد که یکی از آنها نقش مردی و دیگری نقش زنی است. اما در شرق این دو لوحه اشکفت بزرگ یعنی سایه‌بان خمیده کوه قرار دارد که در زیر آن بر روی بدنه کوه یک کتیبه مستطیل شکل میخی و چند نقش حجاری شده و در زیر این کتیبه که در ارتفاع قرار دارد، محل نشستن و تختگاه و یا انجام مراسمی دیده می‌شود.